

Mahdavi's Worldview in Shakib Isfahani's Poems: Analysis of Mental Patterns and Conceptual Metaphors

Shakib Davoodi^{1*}, Rohollah Karimi Nor-aldinvand², Fatemeh Abdellahi³

¹ Phd Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

² Assistant Professor in Persian Language and Literature, Farhangian University, Shahrekord, Iran.

³ Phd Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper	This research provides a comprehensive analysis of 14 Mahdavi Poems from the total of 185 odes in the Divan of Mohammad Reza Shakib Isfahani. Given the lack of sufficient studies on the poems of this contemporary poet, this article aims to explore his intellectual and linguistic worldview about the Imam Zaman. This research was conducted by combining thematic pattern-finding methods and conceptual metaphor analysis within the framework of Lakoff and Johnson's theory. The findings show that Shakib presents a comprehensive picture of the Imam using multifaceted metaphors. Eight key mental patterns, including "the Imam as a source of cosmic light," "the powerful king," "the divine spirit and essence," "the blueprint of existence," "the gardener and nature," "the physician and the healer," "result of prophecy and pontificate," and "the absent present," were identified in his poems. Each of these patterns portrays a different aspect of the Imam's existence. These patterns show that Shakib has created a comprehensive and multidimensional image of the Imam's face in his poems by using conceptual metaphors, in such a way that the mental patterns and metaphors used in his poems both express the Imam's sacred and divine characteristics, rely on his socio-political position as the guardian of the Islamic community, and observe the aspect of the Imam's healing and assistance in the spiritual and personal relationship with the poet as his disciple and Shia. Overall, Shakib Isfahani's Mahdavi odes can be considered an outstanding reflection of the Mahdavi worldview in the form of literature, especially during the transition period from Qajar to Pahlavi, which is therefore considered a valuable source for literary-religious studies and Shia eschatology.
KEYWORDS: Shakib Isfahani, Conceptual Metaphor, Religious literature, Imam Zaman, Mahdavi poetry.	
Received: 2025/10/12 Accepted: 2025/11/12	
*Corresponding author: Shakibdavoodi1376@gmail.com	
How to cite this paper: Davoodi, SH., Karimi Nor-aldinvand, R., Abdellahi, F. (2026). Mahdavi's Worldview in Shakib Isfahani's Poems: Analysis of Mental Patterns and Conceptual Metaphors. <i>Journal of culture and Islamic sciences</i> . 10(5): 125-.140.	

DOI: 10.22034/rjcis.2025.15388.1158



جهان‌بینی مهدوی در اشعار شکیب اصفهانی؛ تحلیل الگوهای ذهنی و استعاره‌های مفهومی

شکیب داودی^{۱*}، روح الله کریمی نورالدین‌وند^۲، فاطمه عبداللهی^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، شهرکرد، ایران.

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	این پژوهش به تحلیل جامع و عمیق ۱۴ قصیده مهدوی از میان مجموع ۱۸۵ قصیده دیوان محمدرضا شکیب اصفهانی می‌پردازد. با توجه به فقدان مطالعات کافی در مورد اشعار این شاعر معاصر، این مقاله با هدف کشف جهان‌بینی فکری و زبانی او درباره امام زمان (عج) نگاشته شده است. این پژوهش با تلفیق روش‌های الگویابی موضوعی (تماتیک) و تحلیل استعاره‌های مفهومی در چارچوب نظریه لیکاف و جانسون انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که شکیب با استفاده از استعاره‌های چندوجهی، تصویری جامع از امام ارائه می‌دهد. هشت الگوی ذهنی کلیدی شامل «امام به مثابه منبع نور کیهانی»، «پادشاه مقتدر»، «طرح هستی»، «روح و ذات الهی»، «باغبان و طبیعت»، «پزشک و درمانگر»، «ثمره نبوت و امامت» و «غایب حاضر» در اشعار او شناسایی شد. هر یک از این الگوها، جنبه‌ای متفاوت از وجود امام را به تصویر می‌کشند. این الگوها نشان می‌دهد که شکیب با بهره‌گیری از استعاره‌های مفهومی، دست به ایجاد تصویری جامع و چندبعدی از سیمای امام در اشعار خویش زده است، به نحوی که الگوهای ذهنی و استعاره‌های به کار رفته در اشعار او، هم بیانگر ویژگی‌های قدسی و الهی امام، هم متکی بر جایگاه سیاسی اجتماعی ایشان به عنوان ولی جامعه اسلامی، و هم ناظر بر جنبه شفابخشی و امداد امام در ارتباط معنوی و شخصی با شاعر به عنوان مرید و شیعه ایشان است. روی هم رفته قصاید مهدوی شکیب اصفهانی را می‌توان بازتابی برجسته از جهان‌بینی مهدوی در قالب ادبیات و آن هم در دوره گذار قاجار به پهلوی دانست، که از این جهت منبعی ارزشمند برای مطالعات ادبی دینی و معادشناسی شیعی به شمار می‌رود.
واژگان کلیدی: شکیب اصفهانی، استعاره مفهومی، ادبیات آئینی، امام زمان (عج)، شعر مهدوی.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Shakibdavoodi1376@gmail.com	
ارجاع: داودی، ش.، کریمی نورالدین‌وند، ر.، عبداللهی، ف.، ۱۴۰۴، جهان‌بینی مهدوی در اشعار شکیب اصفهانی؛ تحلیل الگوهای ذهنی و استعاره‌های مفهومی، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۱۰(۵)، ۱۴۰-۱۲۵.	

مقدمه

محمدرضا شمشیری، متخلص به شکیب اصفهانی، یکی از شاعران کمتر شناخته‌شده اما برجسته در تاریخ ادبیات مذهبی ایران است که در طول عمر خود، بخش قابل توجهی از هنر و توانایی خود را صرف ستایش ائمه اطهار(ع) نمود. با وجود اطلاعات اندک و گاه متناقض درباره زندگی او، آنچه از نوشته‌های استاد جلال‌الدین همایی در مقدمه دیوان اشعار شکیب برمی‌آید، حاکی از شخصیتی استوار و هنرمندی متعهد است. شکیب که در سال ۱۲۸۴ شمسی در اصفهان چشم به جهان گشود، تا بیست سالگی به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و از این طریق، سرمایه‌ای از منطق و کلام اندوخت که در عمق و غنای اشعارش منعکس است. او سپس در سن بیست‌وهشت سالگی به جرگه عارفان پیوست و با ورود به مسیر حقیقت، ابعاد عرفانی و عمیق‌تری به جهان‌بینی و شعر خود بخشید.

دیوان شکیب اصفهانی، گنجینه‌ای از قصاید، غزلیات و رباعیات است. قصاید او در مدح ائمه، به ویژه امیرالمؤمنین علی(ع) و حضرت صاحب‌الزمان(عج)، جایگاه ویژه‌ای دارند. او در سرودن این قصاید، به سنت قصیده‌سرایی کلاسیک وفادار مانده است. این وفاداری به سنت، هرچند ممکن است زبان او را در برخی موارد تا حدودی تقلیدی جلوه دهد، اما غنای محتوایی و تصاویر بدیع او، این نقصان را جبران می‌کند.

در میان آثار او، قصاید مهدوی از اهمیت خاصی برخوردارند؛ چرا که تصویری جامع و چندوجهی از جایگاه و ماهیت امام زمان(عج) در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی ارائه می‌دهند. شعر مهدوی، بخشی مهم و تأثیرگذار در ادبیات شیعی است که همواره در طول تاریخ، با رویکردهای مختلفی در دوره‌های ادبی گوناگون سروده شده است. در عصر قاجار و پهلوی، با توجه به تحولات اجتماعی و سیاسی و گسترش اندیشه شیعی، شعر مهدوی نیز دستخوش تغییرات و تحولاتی شد. شاعران این دوره، با وفاداری به قالب‌های سنتی مانند قصیده و غزل، به بیان مفاهیم جدید و عمیق‌تری از انتظار، غیبت و ظهور پرداختند. قصاید شکیب اصفهانی، نمونه‌ای برجسته از این رویکرد هستند. او در اشعار خود، نه تنها به ستایش ظاهری امام می‌پردازد، بلکه ابعاد فلسفی، عرفانی و اجتماعی وجود ایشان را نیز به تصویر می‌کشد. این قصاید، سرشار از استعاره‌های بدیع و مضامین عمیق‌اند که به یک تحلیل دقیق و روشمند نیاز دارند تا لایه‌های پنهان آن‌ها آشکار شود.

با توجه به این مقدمات، سؤال اصلی این پژوهش این است که «الگوهای موضوعی قصاید مهدوی محمدرضا شکیب اصفهانی کدامند؟ و او چگونه با استفاده از استعاره‌های مفهومی این الگوهای ذهنی را در اشعارش منعکس کرده است؟» این سؤال به دنبال کشف و تحلیل نظام فکری و زبانی شاعر در توصیف امام زمان(عج) است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تحلیل ساختارهای پنهان در قصاید، پاسخی جامع به این پرسش ارائه دهد و نشان دهد که چگونه یک شاعر معاصر توانسته است،

مفاهیم عمیق و انتزاعی شیعی را با استفاده از الگوهای فکری ملموس و عینی به تصویر بکشد و در این راه، زبان و سنت ادبیات کلاسیک فارسی را نیز به خدمت گیرد.

چنانچه گفته شد هدف از این پژوهش، تحلیل جامع ساختار و محتوای قصاید مهدوی محمدرضا شکیب اصفهانی است به قصد کشف جهان‌بینی حاکم بر آن‌ها است. از آنجا که تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه بررسی و تحلیل اشعار این شاعر معاصر اصفهان و به طور خاص قصاید آئینی او صورت نگرفته است، لذا بررسی ۱۴ قصیده مهدوی شکیب اصفهانی از میان بیش از ۱۸۵ قصیده آئینی دیوان او و آن‌هم به جهت تبیین الگوهای ذهنی و استعاره‌های مفهومی به کار رفته در اشعار مهدوی‌اش، موضوعی تازه و ضروری به نظر می‌رسد.

در این مطالعه، از رویکردی تلفیقی و نوآورانه بهره می‌بریم که شامل الگویابی و تحلیل استعاره‌های مفهومی (بر اساس نظریه لیکاف و جانسون) است. این روش به ما امکان می‌دهد تا به جای تحلیل‌های سطحی و صرفاً ادبی، به ساختارهای ذهنی و شناختی شاعر دست یابیم و نشان دهیم که او برای توصیف جایگاه معنوی امام زمان، چگونه از استعاره‌ها و الگوهای ملموس و عینی استفاده کرده است. در این مقاله، ابتدا به شناسایی الگوهای ذهنی اصلی در این قصاید می‌پردازیم. سپس، ذیل هر الگو، استعاره‌های مفهومی مرتبط را با ذکر دقیق ابیات، به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهیم. این رویکرد به ما کمک می‌کند تا یک نقشه ذهنی کامل از باورهای شکیب اصفهانی درباره مهدویت ترسیم کرده و نشان دهیم که چگونه این باورها در قالب واژگان و نمادهای شعری او تجلی یافته‌اند.

پیشینه پژوهش

در خصوص ادبیات آئینی و به ویژه اشعار مهدوی تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است. از جمله:

- تقابل‌های دوگانه در شعر مهدوی عصر قاجار، اثر زارعی و نظری، در سال ۱۳۹۸؛
- پیوند شعر مهدوی و شعر دفاع مقدس، اثر نوروززاده و فولادی در سال ۱۳۹۵؛
- انتظار موعود در شعر شاعران معاصر انقلاب با تکیه بر اشعار سید حسن حسینی قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، اثر سعیدی و شوهان در سال ۱۳۹۵؛ و...

این پژوهش‌ها اگرچه به تحلیل اشعار مهدوی و گاه شعر دوره قاجار و پهلوی پرداخته‌اند، اما از نظر جامعه آماری و شاعر مورد پژوهش تاکنون هیچ پژوهشی نه تنها در خصوص اشعار آئینی محمدرضا شمشیری (شکیب اصفهانی) و مدایح او، بلکه حتی درباره هیچ بخش از دیوان او نوشته نشده است. از سوی دیگر پژوهش‌های مذکور تنها به بررسی اشعار مهدوی دوره قاجار پرداخته‌اند، اما در آن از رویکرد الگویابی یا استعاره مفهومی بهره نیافته‌اند؛ پس طبیعتاً تلفیق این دو رویکرد در تحلیل اشعار آئینی نیز امری تازه و ضروری است که تنها در این پژوهش صورت یافته است. بنابراین مقاله حاضر

که به بررسی الگوهای ذهنی و استعاره‌های مفهومی در اشعار مهدوی شکیب اصفهانی می‌پردازد، از نظر موضوع به طور کلی تازه به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر چنانچه گفته شد، در خصوص شاعر مورد پژوهش و جامعه آماری این پژوهش، یعنی دیوان اشعار محمدرضا شکیب اصفهانی، تا کنون هیچ پژوهشی در سطح علمی صورت نگرفته است، جز آنچه تا امروز نگارنده در راستای معرفی و بازشناسی بیش از پیش سبک و محتوای اشعار این شاعر معاصر در قالب چند مقاله کوتاه نگاشته است، که در ادامه اجمالاً به آنها اشاره خواهد شد:

- صنایع بیانی در غزلیات محمدرضا شکیب اصفهانی، اثر شکیب داودی، در سال ۱۴۰۱ در هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل؛
- موسیقی کناری در غزلیات محمدرضا شکیب اصفهانی، اثر شکیب داودی، در همان سال و همان کنفرانس؛
- بازخوانی اشعار عاشورایی محمدرضا شکیب اصفهانی، اثر مشترک داودی و رحمانی شهرکی در سال ۱۴۰۴ در اولین همایش ملی مقاومت، دلهره‌ها و امیدها در ادبیات معاصر.

بحث و بررسی

تحلیل الگوهای ذهنی و استعاره‌های مفهومی

۱. الگوی ذهنی «امام به مثابه منبع نور کیهانی»

این الگوی فکری، که برجسته‌ترین و پرتکرارترین الگو در قصاید شکیب اصفهانی است، از هستی امام زمان (عج) به عنوان یک منبع مطلق نور، روشنایی و حیات بهره می‌برد. شاعر با استفاده از این الگو، نه تنها به جنبه‌های الهی و ماورایی امام می‌پردازد، بلکه نقش او را در هستی و هدایت جهان مادی نیز به تصویر می‌کشد.

۱.۱. استعاره مفهومی: امام، خورشید است

این استعاره، امام را به خورشید تشبیه می‌کند؛ عنصری که مظهر قدرت، نوربخشی و مرکزیت است. این تشبیه، برتری و جایگاه بی‌بدیل امام را نسبت به تمام موجودات و عناصر هستی نشان می‌دهد.

* برتری امام بر خورشید:

- تا طره‌ی تو سایه فکن شد بر آفتاب دارد ز مشک ناب به سر افسر آفتاب (شکیب اصفهانی، ۱۳۶۱):
در اینجا، طره موی امام چنان بر خورشید سایه می‌افکند که خورشید از نور امام، تاج مشک می‌گذارد.

- در چشم من که ماه جمال تو دیده‌ام
نور خورشید در برابر نور جمال امام، ناچیز و بی‌ارزش است.

- گیرد ز ابر تیره همی دست پیش رو
خورشید در برابر ماه چهره امام شرمنده و ناچیز است.

- گر آب و تاب ماه جمال تو بنگرد
پیچد به خود چو دسته‌ی نیلوفر آفتاب (همان)

- درخشش و زیبایی امام چنان است که خورشید از شرم، خود را پنهان می‌کند.
- با اینکه نوربخش نجوم است در فلک
 نبود چو عارض تو پری پیکر آفتاب (همان: ۲۶)
- با وجود اینکه خورشید نور ستارگان است، اما زیبایی چهره امام را ندارد.
- اگر چه ماه کند کسب نور از خورشید
 ز ماه روی تو خورشید نور خواهد وام (همان: ۱۳۴)
- در اینجا، قاعده طبیعی معکوس شده و این خورشید است که برای روشنایی خود به ماه روی امام
 محتاج است.
- عجب مدار اگر آفتاب عالمتاب
 ز شرم ماه جمالش رود بزیر غمام (همان: ۱۴۶)
- خورشید از شرم جمال امام، در پس ابر پنهان می‌شود.
- * خورشید به مثابه بنده امام:
- باشد سمنند ناز تو را نعل، ماه نو
 باشد سپند خال تو را مجمر، آفتاب (همان: ۲۶)
- خورشید، مجمر اسفند خال امام است که برای دفع چشم‌زخم سوخته می‌شود.
- از معدن عطای تو یک ذره سیم ماه
 از خرمن سخای تو یک جو زر آفتاب (همان)
- خورشید و ماه، تنها ذره‌ای از سخاوت امام را دارا هستند.
- یکجو ز خرمن دل و دین نور انجمش
 نور خورشید تنها یک ذره از نور پیشانی امام است.
- * خورشید به مثابه ابزار امام:
- شاهاتوئی که از پی قتل عدوی تو
 کیوان صفت گرفته به کف خنجر آفتاب (همان: ۲۶)
- خورشید به عنوان یک ابزار در دست امام، برای نابودی دشمنان به کار گرفته می‌شود.
- تا قلب دوستان تو روشن شود از آن
 بر چشم دشمن تو زند نشتر آفتاب (همان)
- خورشید به عنوان ابزاری برای روشنایی قلب دوستان و کوری چشم دشمنان.
- ۲.۱. استعاره مفهومی: امام، ماه است.
- این استعاره، امام را با ماه تشبیه می‌کند که مظهر زیبایی، کمال و آرامش است. استفاده از این استعاره
 در کنار خورشید، نشان‌دهنده ابعاد گوناگون شخصیت امام است.
- * برتری امام بر ماه:
- ماهی که تا به نیمه‌ی شعبان طلوع کرد
 آن روز سر زد از افق دیگر آفتاب (همان)
- ماه وجود امام در نیمه شعبان طلوع می‌کند و باعث می‌شود خورشید به شکل دیگری بتابد.
- ماهی که برده رونق خورشید منظرش
 هندوی زلف و خال بود مشک و عنبرش (همان: ۱۱۲)
- امام، ماهی است که از فرط زیبایی بر خورشید غلبه کرده است.
- نمود عزم سفر تا خجسته ماه سیام
 هلال عید عیان شد بچرخ آینه فام
- من از میانه مردم هلال را دیدم
 ز طاق ابروی ماهی به چهره بدر تمام (همان: ۱۴۶)
- ماه عید در برابر ابروی امام، ناچیز است.
- * ماه به مثابه بنده امام:

- باشد سمند ناز تو را نعل، ماه نو
ماه نو، نعل اسب امام است.
- ۳.۱. استعاره مفهومی: امام، منبع نور و روشنایی است.
این استعاره، فراتر از تشبیه به خورشید و ماه، بر ماهیت وجودی امام به عنوان نور مطلق تأکید دارد که ریشه تمام روشنایی‌ها و هدایت‌ها در عالم است.
* منبع نور و روشنایی الهی:
- نیری دوشین ز نسل بو تراب آمد پدید
کز فروغ ماه رویش آفتاب آمد پدید (همان: ۲۶)
- (۵۰)
- آفتاب از فروغ چهره امام پدید آمده است.
- شمع مشکوٰه هدایت از نهان شد آشکار
نور ولایت امام از پس پرده غیبت آشکار می‌شود.
- نور خورشید هدی را از سپهر افتخار
نور هدایت امام بر تمام ذرات هستی تاییده می‌شود.
- نور چشم اولیاء روح روان انبیاء
امام، نور چشم اولیا و آئینه ذات خداوند است.
- نیر صبح ازل شمع شبستان ابد
امام، نیروی صبح ازل و شمع شب ابدی است.
- به رقص آمده ذرات از نشاط و سرور
خورشید حقیقت وجود امام، از زیر ابر غیبت ظاهر شده است.
* اثر نورانی امام بر هستی:
- اندر این مه آفتابی تافت از برج شرف
به واسطه نور امام، زمین و آسمان برپا شده‌اند.
- یکجو ز خرمن دل و دین نور انجمش
نور ستارگان تنها یک جو از نور وجود امام است.
- ز بامداد ازل تا به شامگاه ابد
بماسوی همه روزی رسان ز خوان نوال (همان: ۱۲۵)
- از ازل تا ابد، امام به همه موجودات روزی می‌رساند.

۲. الگوی ذهنی «امام به مثابه مرکز، پادشاه برحق و حاکم الهی»

این الگوی فکری، امام را از یک شخصیت صرفاً معنوی فراتر برده و او را در قالب یک رهبر سیاسی اجتماعی قدرتمند و برحق معرفی می‌کند. این استعاره‌ها نه تنها به مقام الهی امام اشاره دارند،

بلکه نقش او را در برقراری عدالت و حکومت جهانی نیز به تصویر می‌کشند.

۱.۲. استعاره مفهومی: امام، سلطان و پادشاه است.

در این استعاره، از واژگان و مفاهیم مربوط به پادشاهی و سلطنت برای توصیف جایگاه امام استفاده شده است. این مفاهیم نشان می‌دهند که امام، حاکم بلامنازع بر عالم هستی است.

* حاکمیت مطلق و فرمانروایی:

- شاهی که دستگاه خدائی به دست اوست در پایه بنده‌ای است از آن سرور آفتاب (همان: ۲۶)

امام، شاهی است که قدرت الهی در دست اوست و حتی خورشید نیز بنده اوست.

- خسرو نصرت علم کز برق شمشیر ظفر شیر و خورشید فلک را نقش شادروان کند (همان: ۶۷)

امام، خسروی است که شیر و خورشید فلک را بر روی پرده حکاکی می‌کند، کنایه از تسلط کامل او بر نمادهای قدرت.

- والی ملک ولایت کز طریق معدلت خواجه آزادگان را بنده فرمان کند (همان)

امام، والی حکومتی است که آزادگان را نیز مطیع خود می‌سازد.

- مهدی قائم امام عصر ختم اوصیاء بر سریر عز و رفعت خسرو ذو الاقتدار (همان: ۹۰)

امام، پادشاهی صاحب‌اقتدار بر تخت عزت است.

- دست کسان زبنده و مولی بدامنش ملک جهان ز اسفل و اعلی مسخرش (همان: ۱۱۳)

تمام جهان، از پایین‌ترین تا بالاترین مرتبه، در تسخیر اوست.

- شهی ز غیب علم زد به بارگاه شهود که خسروان جهانند بر درش چو غلام (همان: ۱۳۴)

شاهی که از عالم غیب ظاهر شده و تمام پادشاهان جهان، غلام درگاه او هستند.

* نمادهای قدرت سلطنتی:

- ظل خدا که در اثر فیض خاص او در سنگ پرورد همه دم گوهر آفتاب (همان: ۲۶)

امام، سایه خداست که به واسطه فیض او، سنگ نیز گوهر می‌پروراند.

- برج عصمت را مهی خورشید فر شد آشکار ملک عزت را شهی مالک رقاب آمد پدید (همان: ۵۰)

پادشاهی که مالک رقاب (صاحب اختیار) است.

- آنکه بستاند ز شاهین داد تیهو شد عیان آنکه بخشد فر عنقا بر ذباب آمد پدید (همان: ۵۱)

امام، پادشاهی است که عدالت را تا جایی برقرار می‌کند که حتی حق‌پرنده ضعیف را از قوی می‌ستاند.

- با فضل کردگار بدل علم احمدش با عدل ذوالجلال بکف تیغ حیدرش (همان: ۱۱۳)

شمشیر علی (ع) در دست امام، نمادی از عدالت مطلق اوست.

۲.۲. استعاره مفهومی: امام، مرکز عالم و محور هستی است.

این استعاره، بر نقش حیاتی و مرکزی امام در کل عالم وجود تأکید دارد. امام به عنوان قطب عالم شناخته می‌شود که همه چیز در حول محور او می‌گردد.

* مرکزیت وجودی:

- قائم آل پیمبر قائد غیب و شهود امام، قائمی است که رهبر عالم غیب و شهود است.
- مدار کون و مکان آمر قضا و قدر او مدار چرخش هستی و فرمانروای قضا و قدر است.
- کارگاه ایزدی را کارها در دست اوست سر به سر افسانه باشد حرف جبر و اختیار (همان: ۹۲)
- منشور امر مبدا و میعاد در کفش چشم امید عالم ایجاد بر درش (همان: ۱۱۳)
- فرمان آغاز و پایان جهان در دست اوست و تمام عالم به او امید دارند.
- تویی که بنده و مولی ز بامداد ازل طریق عشق تو پویند تا بروز قیام (همان: ۱۴۷)
- بندگان و موالی، از ازل تا قیامت، در راه عشق تو هستند.
- بود بعالم امکان وجود واجب تو بچشم اهل بصیرت چو روح در اجسام (همان)
- وجود امام در عالم، مانند روحی است در کالبدها.

۳. الگوی ذهنی «امام به مثابه زمان و ابدیت»

این الگو، امام را از محدودیت‌های زمانی و مکانی فراتر برده و او را با مفاهیمی چون ازل، ابد و ابدیت مرتبط می‌سازد. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که وجود امام، از ابتدای خلقت تا پایان آن، جاری و ساری است و زمان و مکان در تسلط او قرار دارد.

۱.۳. استعاره مفهومی: امام، زمان (نامحدود) است.

این استعاره، امام را نه تنها یک شخصیت تاریخی، بلکه تجسم خود زمان و گردش آن می‌داند. این رویکرد، به نقش محوری امام در تاریخ هستی اشاره دارد.

* فراتصور بودن امام:

- به کنه ذات شریفش خرد نیابد راه که در صفات بود همچو ایزد متعال (همان: ۱۲۵)
 - در ذات و صفاتش، او همچون خداوند متعال است که در چارچوب زمان و مکان نمی‌گنجد.
- * فرازمانی بودن امام:

- ز بامداد ازل تا به شامگاه ابد بماسوی همه روزی رسان ز خوان نوال (همان)
- امام از آغاز تا پایان هستی، به تمام موجودات روزی می‌رساند.

- زهی شبی که شب قدر شد ز غیرت آن چنان نهان که نمانده است زان نشان جز نام (همان: ۱۳۴)

اشاره به شب تولد امام که از نظر عظمت با شب قدر رقابت می‌کند. شبی که چون امام نشانی جز نام از آن نیست و این غائب از نظر بودن نیز وجه شباهت دیگری میان امام، و زمان است.

- توئی که بنده و مولی ز بامداد ازل
طریق عشق تو پویند تا بروز قیام (همان)

عشق به امام، از ازل تا قیامت، راه و رسم بندگان و موالی است.

- به یاد روز و شب روی و موی او دیگر
مرا بدل نبود فکر هفته و مه و سال (همان: ۱۲۴)

یاد او چنان در دل شاعر است که دیگر مفاهیم زمانی برای او بی‌اهمیت می‌شود.

۴. الگوی ذهنی «امام به مثابه وجودی برتر از انسان و فرشته»

در این الگو، شاعر برای توصیف مقام امام، از استعاره‌هایی استفاده می‌کند که او را بالاتر از تمام موجودات، حتی فرشتگان و پیامبران، قرار می‌دهد. این استعاره‌ها بر جنبه الهی و غیرانسانی وجود امام تأکید دارند.

۱.۴. استعاره مفهومی: امام، روح و ذات الهی است.

این استعاره، وجود امام را به ذات الهی و روح جهان هستی تشبیه می‌کند. این نمادگرایی، بالاترین مقام را برای امام قائل است.

- ذات واجب چهره از آینه ممکن نمود
نور آن خورشید از این ماهتاب آمد پدید (همان: ۵۱)

امام، آینه‌ای است که ذات الهی در آن متجلی می‌شود.

- در آستین قدر نهان دست ذوالمنش
از آستان مجد عیان عون داورش (همان: ۱۱۳)

دست یاری خداوند در آستین قدرت امام پنهان است.

- بجز در آینه مرتضی بعز و جلال
ندیده شبه و نظیر تو دیده ایام (همان: ۱۴۷)

وجود امام، تنها در آینه قدسی حضرت علی (ع) قابل مشاهده و مقایسه است.

۵. الگوی ذهنی «امام به مثابه طبیعت»

این الگو، وجود امام را به عناصر طبیعی حیات‌بخش و بارورکننده تشبیه می‌کند. این استعاره‌ها نه تنها بر زیبایی و لطافت امام تأکید دارند، بلکه نقش او را در رشد و بالندگی عالم هستی و هدایت انسان‌ها نشان می‌دهند.

۱.۵. استعاره مفهومی: امام، گل (باغ) است.

این استعاره، امام را به یک باغ یا گلشن سرسبز و پرثمر تشبیه می‌کند. این نماد بر جنبه حیات‌بخش و نشاط‌آور وجود امام تأکید دارد.

- پرورد در دامن نرجس گلی کز رنگ و بو
گلشن آل علی را خرم و خندان کند (همان: ۶۶)

امام گلی است که گلشن آل علی را خرم و شاداب می‌کند.

- باز از گلشن بر آید زیر و بم صوت هزار زنگ غم از دل زداید رنگ گل بوی بهار(همان:

(۹۱)

می‌لاد امام مانند بهار گلشن است که غم را از دل می‌زداید.

- باغ کثرت اندر این عید همایون داد بر نخل وحدت اندر این فیروز روز آورد یار(همان: ۹۲)

می‌لاد امام در نیمه شعبان باعث می‌شود باغ کثرت ثمر دهد و نخل وحدت بارور شود.

۲.۵. استعاره مفهومی: امام، آب است.

آب نمادی از حیات، پاکی و شستشو است. این استعاره بر نقش امام در پاکسازی و زنده کردن روح انسان‌ها و جهان تأکید دارد.

- طفیل جود وجودش جهان بود موجود چنان که هستی اشیا ز فیض آب زلال(همان: ۱۲۵)

هستی جهان از جود و وجود امام سرشار است، همان‌طور که هستی اشیا به فیض آب زلال.

- معدن جود و سخا کز ابر احسان و عطا دامن دشت و دمن را بحر بی پایان کند(همان: ۶۷)

امام معدن جود و سخاوت است و ابر احسانش، دشت‌ها را به دریای بی‌کران تبدیل می‌کند.

- جوی جودش جاری ساریست در ملک وجود از جنوب و از شمال و از یمین و از یسار(همان: ۹۲)

جوی سخاوت امام در تمام عالم وجود مانند چشمه‌ای جاری است.

- تابی ز تیغ قهر بود نار دوزخش آبی ز جوی لطف بود حوض کوثرش(همان: ۱۱۳)

حوض کوثر، تنها قطره‌ای از جوی لطف امام است.

۶. الگوی ذهنی «امام به مثابه پزشک و درمانگر»

این الگو، امام را به عنوان شفابخش دردهای معنوی و اجتماعی معرفی می‌کند. این استعاره بر نقش امام در هدایت، نجات و اصلاح جامعه تأکید دارد.

۱.۶. استعاره مفهومی: امام، پزشک(درمانگر) است.

- قادر ذالمن که از رحمت در این حکمت سرا درد هر کس را ز رأی قابلی درمان کند(همان: ۶۶)

امام، در این دنیای پر از حکمت و درد، می‌تواند درد هر کسی را درمان کند.

- مهی که پر تو مهرش اگر به دل تابد زلوح سینه زداید هزارگون آلام(همان: ۱۴۷)

نور محبت امام اگر بر دل بتابد، هزاران درد را از سینه پاک می‌کند.

۷. الگوی ذهنی «امام به مثابه ریشه و ثمره نبوت و امامت»

این الگو، امام زمان(عج) را از یک شخصیت مستقل فراتر برده و او را به عنوان نقطه اوج و ثمره نهایی سلسله نبوت و امامت معرفی می‌کند. شاعر با استفاده از این استعاره‌ها، بر اصالت و ریشه الهی

امام تأکید دارد و او را در امتداد نورانی پیامبر و ائمه پیشین قرار می‌دهد.

۱.۷. استعاره مفهومی: امام، اختر آسمان ولایت است.

این استعاره، امام را به عنوان فرزند و وارث ائمه پیشین، به‌ویژه حضرت علی(ع) و پیامبر(ص) و به‌ویژه ستاره درخشان‌تر این آسمان معرفی می‌کند. این نمادگرایی، مشروعیت الهی و تاریخی امام را برجسته می‌سازد.

- اختری از آسمان عسگری شد جلوه‌گر
خسروی از دودمان بوتراب آمد پدید(همان: ۵۰)

امام، اختری از آسمان وجود امام حسن عسگری(ع) و خسروی از دودمان ابوتراب است.

۲.۷. استعاره مفهومی: امام میوه‌ی شجره‌ی ولایت است.
- حجت ثانی عشر نوباهو خیرالبشر
امام، دوازدهمین حجت الهی و میوه درخت وجود بهترین انسان‌ها، پیامبر(ص)، است.

۸. الگوی ذهنی «امام به مثابه غایب حاضر»

این الگو، ماهیت غیبت وجود امام را به تصویر می‌کشد: غایب از دیدگان اما حاضر در عالم. شاعر برای بیان این مفهوم، از استعاره‌های تضادآمیز استفاده می‌کند که انتظار و امید به ظهور را به خواننده منتقل می‌سازد.

۱.۸. استعاره مفهومی: غیبت، پرده(حجاب) یا ابر است.

این استعاره، غیبت امام را به یک پرده یا حجاب فیزیکی تشبیه می‌کند که مانع از دیدن او توسط مردم می‌شود. این حجاب نه تنها یک مانع فیزیکی، بلکه یک آزمون الهی برای انسان‌هاست.

- شمع مشکوٰه هدايت از نھان شد آشکار
نور خورشید ولایت از سحاب آمد پدید(همان: ۵۰)

خورشید ولایت از پشت ابر غیبت آشکار می‌شود. بنابراین غیبت ابر است.

- ز چهره پرده غیبت برافکند به ظهور
دمی که آینه دین گرفت زنگ ضلال(همان: ۱۲۶)

غیبت پرده است و امام در زمانی که آینه دین زنگار گمراهی گرفته، این پرده را از چهره برمی‌دارد.

- به رقص آمده ذرات از نشاط و سرور
که گشته شمس حقیقت عیان ز زیر غمام(همان:

(۱۳۴)

امام خورشید حقیقت و غیبت ابر است. خورشید از زیر ابر غیبت نمایان شده است.

- مهی ز مهر جمالش گرفته ابر نقاب
که روشن است از آن نور اختر اسلام(همان)

امام ماهی است که از مهر جمال خویش نقاب گرفته، و نور رویش اسلام را روشن کرده است.

- با کمال کبریایی ذوالجلال افروخت رخ
تا جمال صاحب الامر از حجاب آمد پدید(همان: ۵۱)

حتی خداوند چهره خود را روشن کرد تا جمال امام از حجاب بیرون آمد.

نتیجه‌گیری

شکیب اصفهانی در قصائد مهدوی خود با استفاده از استعاره‌های مفهومی، تصویری جامع، چندوجهی و الهی از

امام زمان (عج) ارائه می‌دهد. تحلیل عمیق قصاید مهدوی محمدرضا شکیب اصفهانی با استفاده از روش تلفیقی الگویابی موضوعی و استعاره‌های مفهومی، نشان می‌دهد که:

۱. جهان بینی این شاعر معاصر در باب امام زمان (عج)، نه تنها مدحی ساده و تقلیدی، بلکه یک نظام فکری منسجم و چندلایه است. شکیب، با وفاداری به سنت قصیده سرایی کلاسیک و استفاده از گنجینه واژگان و نمادهای ادبی، موفق شده است تصویری جامع و ماندگار از امام عصر ارائه دهد که فراتر از توصیفات ظاهری، به ابعاد وجودی، الهی و اجتماعی سیاسی ایشان می‌پردازد. این پژوهش، هشت الگوی ذهنی برجسته را در اشعار او شناسایی و تحلیل کرد که هر یک، جنبه‌ای متفاوت از وجود مقدس امام را به تصویر می‌کشند.
۲. برجسته‌ترین و پرتکرارترین الگوی ذهنی در قصاید شکیب، «امام به مثابه منبع نور کیهانی» است. در این الگو، امام به خورشید، ماه و ستاره تشبیه می‌شود؛ نمادهایی که نه تنها زیبایی و کمال ایشان را نشان می‌دهند، بلکه به نقش حیات‌بخش، قدرت و مرکزیت وجودی او در عالم هستی اشاره دارند. این استعاره‌ها، امام را به عنوان یک نیروی الهی و فراطبیعی معرفی می‌کنند که از ازل تا ابد، منبع روشنایی و هدایت است.
۳. در ادامه الگوی «امام به مثابه پادشاه مقتدر» جایگاه محوری امام را به عنوان یک حاکم جهانی و فرمانروای مطلق به تصویر می‌کشد. شاعر با استفاده از واژگان و نمادهای سلطنتی قدسی، به قدرت بی‌نهایت امام بر قضا و قدر، تسلط او بر طبیعت و نقش او در برقراری عدالت در جهان اشاره می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که در دیدگاه آئینی شکیب، امام زمان تنها یک رهبر معنوی نیست، بلکه یک منجی سیاسی و اجتماعی است که نظم و عدالت را در زمین برقرار خواهد کرد.
۴. الگوهای دیگری همچون «امام به مثابه زمان و ابدیت» و «امام به مثابه موجودی برتر از انسان و فرشته»، بر ابعاد فرازمانی و الهی وجود امام تأکید دارند. این استعاره‌ها، امام را در جایگاهی فراتر از موجودات زمینی و حتی آسمانی قرار می‌دهند و او را تجلی‌گاه ذات الهی و روح جهان هستی معرفی می‌کنند. این نگاه، نشان از عمق عرفانی و فلسفی جهان بینی شاعر دارد که از آموزه‌های علوم قدیمه و گرایش‌های عرفانی او سرچشمه می‌گیرد.
۵. الگوهای «امام به مثابه عناصر طبیعت» و «امام به مثابه پزشک و درمانگر»، جنبه‌های حیات‌بخش و شفابخش وجود امام را برجسته می‌سازند. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که امام نه تنها بر طبیعت مسلط است، بلکه منبع رشد معنوی، احسان، سخاوت و درمان دردهای روحی و اجتماعی انسان‌ها نیز هست.
۶. در نهایت، الگوی «غیبت و ظهور» نیز نقش کلیدی در بیان مفهوم انتظار و امید دارد. شاعر غیبت را به حجابی موقت چون ابر تشبیه می‌کند که در نهایت با ظهور امام، کنار خواهد رفت و حقیقت آشکار خواهد شد.

در مجموع، قصاید محمدرضا شکیب اصفهانی، نمونه‌ای از جهان‌بینی مهدوی در شعر دوره معاصر است که با بهره‌گیری از استعاره‌های مفهومی، یک تصویر چندبعدی از امام زمان (عج) ارائه می‌دهد: بعد الهی و ماورایی (منبع نور، موجود برتر)، بعد مذهبی و سیاسی اجتماعی (پادشاه مقتدر و معین) و بعد فردی و عرفانی (پزشک درمانگر، روح جهان).

محدودیت‌ها و پیشنهادها

پژوهش حاضر تنها به تحلیل ۱۴ قصیده مهدوی از میان دیوان اشعار محمدرضا شکیب اصفهانی پرداخت، بدین جهت نگارنده با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود که ممکن است به بدنه همین پژوهش هم نفوذ یافته باشند. تقریباً هیچ پژوهش و نگاشته علمی در خصوص اشعار و سبک ادبی یا حتی زندگینامه شاعر مورد پژوهش در دست نیست و تنها سند و منبع مکتوب نگارنده، دیوان اشعار شکیب اصفهانی است و مقدمه‌ای که در آن یادداشت شده است؛ حتی گاه برای بیان برخی دیدگاه‌ها در این پژوهش یا پژوهش‌های سابق در خصوص اشعار شکیب اصفهانی ناچار به تحقیق و مطالعه میدانی پرداخته‌ایم.

لذا کمبود فرصت و منبع کافی برای پژوهش کتابخانه‌ای از یکسو و ناشناخته ماندن شاعر از سوی دیگر، نگارنده را محدود به معرفی بیشتر شاعر و کلیات فکری او داشته، و از ورود به جزئیات سبکی و معنوی اشعار مهدوی او منع داشته است.

بنابراین آنچه به دیگر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود، آن است که در سایر پژوهش‌ها از آنجا که نیاز به معرفی دوباره شاعر نیست و این پژوهش و دیگر پژوهش‌های نگارنده منابعی مکفی برای تحقیقات بعدی درباره شعر و اندیشه شکیب اصفهانی خواهد بود، امکان پرداختن به لایه‌های عمیق‌تر اشعار این شاعر اصفهانی فراهم‌تر است. لذا برای نمونه موضوعاتی چون: سبک‌شناسی اشعار آئینی محمدرضا شکیب اصفهانی، تحلیل الگوها و استعاره‌های مفهومی در اشعار عاشورایی شکیب اصفهانی، مقایسه رویکرد شکیب، صغیر، سروش و مشفق اصفهانی در شعر آئینی یا حتی بررسی دیگر اشعار شکیب چون غزلیات عاشقانه او در مقایسه با دیگر شاعران هم‌عصرش، می‌تواند موضوعات جالب توجهی برای پژوهش‌های آینده در اشعار این شاعر معاصر اصفهانی باشد.

منابع

۱. پورا بر اهیم، شیرین؛ روشن، بلقیس؛ عابدی مهدیه، (۱۳۹۶)، استعاره‌های مفهومی عشق در زبان شعر و زبان روزمره (رویکرد تطبیقی)، نشریه شعر پژوهی، دوره ۹، ش ۲، صص ۴۹-۶۶.
۲. داودی، شکیب؛ رحمانی شهرکی، مهشید (۱۴۰۴)، بازخوانی اشعار عاشورایی محمدرضا شکیب اصفهانی، اولین همایش ملی مقاومت، دلهره‌ها و امیدها در ادبیات معاصر، قم، ایران.

۳. داودی، شکیب؛ صفری، جهانگیر؛ فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳) معناسناسی و تحلیل مفهوم «عشق» به مثابه «آزادی» در اشعار حسین منزوی، پژوهش‌های معناسناختی متون ادبی، دوره ۲، ش ۴، صص ۸۰-۱۰۰.
۴. داودی، شکیب، (۱۴۰۱)، صنایع بیانی در غزلیات محمدرضا شکیب اصفهانی، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل، تهران: ایران.
۵. داودی، شکیب، (۱۴۰۱)، موسیقی کناری در غزلیات محمدرضا شکیب اصفهانی، هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات ملل، تهران: ایران.
۶. زارعی، جمیله؛ نظری، نجمه (۱۳۹۸)، تقابل‌های دوگانه در شعر مهدوی عصر قاجار، دوفصلنامه علمی پژوهشی عصر آدینه، سال ۱۲، ش ۳۰، صص ۱۴۹-۱۶۹.
۷. سعیدی، سهراب؛ شوهان، پیمان (۱۳۹۵)، انتظار موعود در شعر شاعران معاصر انقلاب با تکیه بر اشعار سید حسن حسینی قیصر امین‌پور و سلمان هراتی، پژوهشنامه اورمزد، شماره ۳۲، صص ۲۸۲-۳۰۲.
۸. شمشیری (شکیب اصفهانی)، محمدرضا (۱۳۶۶)، دیوان اشعار، چاپ ۴: موسسه انتشاراتی مشعل.
۹. شمشیری (شکیب اصفهانی)، محمدرضا (۱۳۵۰)، دیوان اشعار، چ ۱. اصفهان: موسسه انتشاراتی مشعل.
۱۰. صمیمی‌فر، سمیرا؛ سالمیان، غلامرضا؛ مالمیر، محمدابراهیم، (۱۴۰۰)، استعاره‌های مفهومی حوزه عشق در خسرو و شیرین نظامی، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۸۱-۱۰۳.
۱۱. علی‌نژاد، مریم؛ آراین‌پور، مهلا، (۱۴۰۲)، تحلیل شناختی استعاره عشق در غزلیات صائب تبریزی، فصلنامه پژوهش‌های معناسناختی متون ادبی، دوره اول، ش ۱، صص ۱۷-۴۴.
۱۲. فضیلت، محمود؛ اسکندری، شیدا، (۱۳۹۰)، تصویرهای ادبی در شعر عاشورایی معاصر، نشریه ادبیات پایداری، سال سوم، شماره ۵، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۳. کریمی، صدیقه، (۱۴۰۳)، شاخصه‌های ادبیات عاشورایی در آثار شاعران معاصر (موسوی گرمارودی، سلمان هراتی، حمید سبزواری)، نشریه معارف حسینی، سال نهم، شماره ۴.
۱۴. لیکاف، جرج؛ جانسون، مارک (۱۹۸۰) استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی (۱۴۰۳)، تهران: انتشارات آگاه.
۱۵. نوروززاده، حسن؛ فولادی، علیرضا (۱۳۹۵)، پیوند شعر مهدوی و شعر دفاع مقدس، دوفصلنامه علمی پژوهشی عصر آدینه، سال ۹، شماره ۱۷، صص ۹۹-۱۳۰.

